

نقش بازی در رشد هوش شناختی کودکان

رحیمه خاطری^۱، سارا شفیعی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش بازی در رشد هوش شناختی کودکان انجام شد. بدین منظور کلیه منابع مربوطه اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه در بازه زمانی سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۹ به‌روش پژوهش توصیفی-اسنادی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی هوش شناختی در روان‌شناسی و روایات نشان داد که بازی یعنی، یک فعالیت هدف‌دار با رشد هوش شناختی کودک ارتباط معناداری دارد. چون بازی در مرحله نخست سبب رشد قوای حسی کودک می‌شود، می‌تواند باعث رشد همه جانبه هوش کودک به‌ویژه رشد هوش شناختی وی گردد.

واژگان کلیدی: بازی، رشد شناختی، هوش شناختی، رشد کودک.

۱. مقدمه

خداوند حکیم تمایل به بازی را در باطن کودکان قرار داده است و کودک بالفطره میل به بازی دارد و توجه به بازی کودک بسیاری از مشکلات روانی و عاطفی وی را حل می‌کند. بازی وسیله‌ای برای رشد همه جانبه و هماهنگ کودک است و به هماهنگی حواس پنج‌گانه‌اش می‌انجامد. (جوهری، سیفی‌کنار، ۱۳۹۸) بازی برای کودک وسیله‌ای است برای آموختن، بیان کردن و به خاطر سپردن و به همین دلیل ابزاری قابل اعتنا برای توسعه ابعاد شخصیتی و هوشی کودک است (مردمی، ابراهیمی، ۱۳۹۲). در تعریف بازی با یک گفت‌گویی که بازی عبارت است از: هرگونه فعالیت چشمی یا

۱. دانش‌پژوه کارشناسی روانشناسی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی- تربیتی روانشناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

ذهنی هدف‌دار که بدون وجود نیروی خارجی زور و اجبار و به صورت فردی یا گروهی انجام شود و موجب کسب لذت و برآورده شدن نیازهای کودک می‌گردد (آقاجانی، جبارف، مصطفی یوف، ۱۳۹۳؛ رادبخش، محمدی فر، کیان ارثی، ۱۳۹۲).

بازی را می‌توان روشی برای تخلیه نیروها و انرژی اضافی، آمادگی کودک برای دوران بزرگسالی، پاسخی به طبیعت فعال کودک و یا چاره‌ای غریزی برای رشد او دانست (مردمی، ابراهیمی، ۱۳۹۲). شخصیت کودک در ضمن بازی شکل می‌گیرد، دگرگونی‌های زیادی در روحيات و خلیقات او روی می‌دهد و همه اینها تکامل و پیشرفت را برای کودک مهیا می‌کند (آقاجانی، جبارف، مصطفی یوف، ۱۳۹۳). بازی بر ساختار فیزیولوژیکی مغز و رفتارهای هوشمندانه و قابل مشاهده کودک تأثیر دارد. هوش يك استعداد کلی برای شناخت و درک در جهان خود و برآورده کردن انتظارات آن تعریف می‌شود که شامل توانایی‌های فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمند و برخورد مؤثر با محیط است (آقاجانی، جبارف، مصطفی یوف، ۱۳۹۳). استرنبرگ هوش را به سه بخش تقسیم می‌کند که شامل توانایی تفکر انتزاعی (هوش تحلیلی)، تولید اندیشه‌های تازه (هوش آفریننده) و استفاده از اندیشه‌ها و راه‌حلها در زندگی عملی (هوش عملی) است (سیف، ۱۳۹۸).

فرویل بازی را شکوفایی طبیعی جوانه‌های طفل می‌شمارد. او معتقد است که کودکان بیش از هر چیز از بازی‌های خود مطالبی می‌آموزد. بازی جزء مهمی از زندگی کودک است و برای رشد کامل و هماهنگ کودک باید به بازی او اهمیت داده شود (بختیاری، ۱۳۷۵). وکسلر معتقد است هوش نتیجه تأثیر دایمی و متقابل فرد با محیط است و اگر این رابطه متقابل به صورت متعادل انجام گیرد موجب توانایی سازگاری فرد با محیط و پیشرفت هوشی می‌شود. از نظر او هوش توانایی کلی و جامع فرد است برای اینکه به‌طور هدفمند عمل کند، به‌طور منطقی بیان‌دیشد و به‌طور مؤثر با محیطش به مبادله بپردازد (ملازینلی، سیاهکوهی نیا، شیبانی، ۱۳۹۴). از نظر پیاژه، کودک فقط چیزهایی را خوب فرا می‌گیرد که از راه مشاهده، تعمق، تجربه و فعالیت‌های شخصی آموخته باشد. در این میان بازی‌های کودکان، نقشی بی‌بدیل در تسریع و تقویت توانایی‌هایشان ایفا می‌کند (ملازینلی، سیاهکوهی نیا، شیبانی، ۱۳۹۴).

در گذشته اغلب اولیا و مربیان، کودک را از بازی محروم می‌کردند و بازی کودک را نوعی اتلاف وقت به حساب می‌آوردند و می‌خواستند که کودکان هرچه زودتر دست از بازی کشیده و به کارهای مهمتر بپردازند. اینان کودکان را بزرگسالانی کوچک‌اندام می‌پنداشتند و دوست داشتند کودکان مانند بزرگسالان رفتار کنند، مثل آنها در مجلس بنشینند و با آرامش صحبت کنند و آداب مجلس را دقیقاً به جا آورند، ولی توجه نداشتند که بازی یکی از عوامل مهم در سلامت و رشد جسمی، روانی، عاطفی کودکان و موجبی برای آموزش اصول و قواعد زندگی نیز هست (بختیاری، ۱۳۷۵). امروزه شاهد آن هستیم که دگرگونی محیط فیزیکی و اجتماعی زندگی، به نحو چشم‌گیری از کمیت و کیفیت بازیهای کودکان کاسته است و دغدغه تأمین امنیت، سلامت و آینده کودک سبب شده است تا والدین اوقات فراغت فرزند خود را با حضور در فعالیت‌های آموزشی فوق‌العاده بپر کنند و بازی، به عنوان فعالیتی که از علاقه، کنجکاوی و خواست کودک سرچشمه می‌گیرد از پیش‌بینی‌های بسیاری از والدین حذف شود (مردمی، ابراهیمی، ۱۳۹۲).

بارزترین مشخصه کودک رشد همه جانبه اوست، در این میان، بازی به عنوان کار تمام وقت کودک بر رشد او به‌ویژه رشد هوشی تأثیر بسیاری دارد (مردمی، ابراهیمی، ۱۳۹۲). بازی نه تنها باعث رشد ذهنی و هوشی کودک می‌شود بلکه به او کمک می‌کند تا بتواند مشکلات عاطفی و اجتماعی خود را حل کند (ملازینلی، سیاهکوهی نیا، شبیانی، ۱۳۹۴). باتوجه به اهمیت نقش بازی در رشد همه جانبه کودک و تأثیر آن بر افزایش توانایی‌ها و خلاقیت کودک و در نتیجه بر آینده وی، می‌توان نتیجه گرفت که حذف یا کاهش بازی می‌تواند بر تکامل رشدی وی به‌ویژه رشد هوشی تأثیر منفی داشته باشد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش بازی بر رشد هوش شناختی کودک به شیوه توصیفی - اسنادی و جمع‌آوری نظریات و پژوهش‌ها در این زمینه و تبیین و تحلیل آنها انجام شد. در این پژوهش این فرضیه که بازی بر رشد هوشی کودک مؤثر است، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

در مورد هوش مطالعات زیادی انجام شده و نظریات مختلفی در این زمینه بیان شده است؛ برای مثال دو نظریه هوش یگانه و هوش چندگانه در میان دانشمندان طرفدارانی دارد. دیوید وکسلر و چارلز اسپیرمن از طرفداران هوش یگانه هستند. وکسلر هوش را یک توانایی کلی می‌داند که فرد را قادر می‌سازد تا به طور منطقی بیاندهد، فعالیت هدفمند داشته و با محیط خود به طور مؤثر به کنش متقابل بپردازد. اسپیرمن نیز معتقد به یک هوش کلی است. قدیمی‌ترین روان‌شناس طرفدار هوش چندگانه، لوئیس ترستون می‌باشد که به عقیده وی هوش از هفت توانایی عمده زیر تشکیل شده است که عبارتند از: درک کلامی (توانایی درک قیاسهای کلامی و خواندن و فهمیدن متن)، سیالی واژه (توانایی کار کردن با کلمات، واژگان)، سهولت عددی (سرعت و درستی محاسبات)، تجسم فضایی (توانایی انجام کارهایی نظیر چرخاندن اشیاء در ذهن)، حافظه تداعی (توانایی یادآوری کلمات یا اشیاء ارائه شده به صورت جفت)، سرعت ادراکی (مانند توانایی یافتن فعاتی که یک کلمه در یک متن تکرار شده است)، استدلال (توانایی حل مسائل استدلالی ریاضی یا منطقی). (سیف، ۱۳۹۸) از طرفی، پیازه هوش را شکل خاصی از سازگاری بین شخص و محیطش می‌داند. سازگاری مستلزم تعاملی است که در آن شخص باید به گونه‌ای نیازهای شخصی خود را در ارتباط عملی با انتظارات محیط هماهنگ کند. به تدریج که اشخاص رشد می‌کنند و تحول می‌یابند، باید بتوانند به گونه‌ای مؤثر با محیط خود برخورد نمایند (پاشاشریفی، نیکخو، ۱۳۹۷، ۲۸۱/۱).

یکی از مهمترین عوامل رشد عقلانی در کودکان، بازی است. مهارت‌ها و تجارب کودک از طریق بازی رشد می‌کند. بازی توانایی‌های کودک را به کار می‌اندازد و خلاقیت را به همراه می‌آورد. باتوجه به اهمیت نقش بازی در رشد همه جانبه کودک از جمله رشد عقلانی و هوشی، دانشمندان مختلف به بازی توجه خاصی داشته‌اند. به نظرکارل گروس، بازی تمرینی است که انسان را برای زندگی آماده می‌کند و در رشد جسمانی و یادگیری او تأثیر بسیاری دارد. کودک با بازی کردن، توانایی‌های خود را به آزمایش می‌گذارد و غرایز اجتماعی خود را تقویت می‌کند. از نظر پیازه کودکان در مراحل رشد به تدریج از بازی انفرادی به بازی‌های اجتماعی متمایل می‌شوند و علاوه

بر لذت از بازی، شروع به تقلید کردن از بزرگترها پرداخته و گاهی نیز از خود قوانینی را ابداع می‌کنند. لذا بازی توانایی‌های کودک را به کار انداخته و خلاقیت را به همراه می‌آورد. (سیف، کدیور، کرمی نوری، لطف آبادی، ۱۳۹۸، ۱ / ۲۴۹) در آموزه‌های دینی نیز به بازی کودک اهمیت زیادی داده شده است برای مثال در روایتی از امام صادق علیه السلام بیان شده است که کودک خود را تا هفت سالگی به بازی رها کن. می‌توان آموزش‌های زیادی را که کودکان در بزرگسالی نیاز دارند، به شکل ساده و از طریق بازی به آنها آموزش داد (کاویانی، ۱۳۹۹، ۱۱۸).

نتایج حاصل از مطالعه‌ای با عنوان ورزش و هوش، شناخت و پیشرفت تحصیلی کودکان، که توسط فیلیپ^۱ و همکاران انجام شد بیانگر آن است که ورزش عملکرد اجرایی کودکان یعنی، فرایندهایی را که برای انتخاب، سازماندهی و شروع صحیح اقدامات هدایت شده مورد نیاز است، تسهیل می‌کند. ورزش یک روش ساده، اما در عین حال بااهمیت برای افزایش جنبه‌های عملکرد ذهنی کودکان در رشد شناختی می‌باشد. (تامپوروسکی، میلر، دیویس، ناگلیری،^۲ ۲۰۰۸). در مطالعه آقاجانی باهدف بررسی نقش بازی در رشد مهارت‌های اجتماعی و هوشی کودکان که بر روی سه گروه مهد کودک (۳ تا ۵ سال)، پیش دبستانی (۶-۷ سال) و مدرسه (۸ تا ۱۲ سال) انجام شد، نتیجه گرفته شده است که بازی، بازی درمانی و حتی نوع اسباب بازی مهارت‌های اجتماعی کودکان را افزایش می‌دهد (آقاجانی،^۳ ۲۰۱۱). در پژوهش رادبخش و همکاران که با هدف مقایسه اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش میزان خلاقیت دانش‌آموزان انجام شد به این نتیجه رسیدند که استفاده از روش‌های بازی و قصه‌گویی، با از بین بردن موانع خلاقیت، سکون فکری و کمک به حل مسائل با روندی لذت‌بخش و سرگرم‌کننده موجب افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود. به همین دلیل دانش‌آموزانی که در جلسات بازی و قصه‌گویی حضور می‌یابند در یافتن راه حل‌های

1. Phillip

2. Tomporowski, Miller, Davis, Naglieri.

3. Aghajani

اصیل و جدید برای مسائل موفق‌ترند (رادبخش، محمدی‌فر، کیان ارثی، ۱۳۹۲). در یک مطالعه مروری باعنوان تأثیر بازی‌های وانمودی بر رشد کودکان که توسط لیلارد و همکاران انجام شد به این نتیجه رسیدند که براساس شواهد موجود و مطالعات انجام شده نمی‌توان در مورد نقش و اهمیت منحصربه‌فرد این‌گونه بازی‌ها بر رشد کودکان ادعایی نمود (اسمیت، پالمکیوست، لمر، هوپکینس، لیلارد، دور، ۲۰۱۳)^۱ یافته‌های حاصل از مطالعه آقاجانی و همکاران باعنوان تأثیر بازی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان، بیانگر آن است که رابطه معناداری میان نوع بازی، نوع اسباب‌بازی و زمان بازی با رشد روانی کودک وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که تأثیر نوع بازی، نوع اسباب‌بازی و زمان بازی در هوش بیشتر از مهارت اجتماعی در کودکان مهد کودک است (آقاجانی، جبارف، مصطفی یوف، ۱۳۹۳). نتایج حاصل از پژوهش ملازینلی و همکاران باعنوان تأثیر بازی در هوش عملی دانش‌آموزان نیز بیان‌گر آن است که تقویت هوش عملی سبب به‌کارگیری دانش در زندگی روزمره، سازگاری فرد با محیط و توان حل مسایل و مشکلات زندگی فردی اجتماعی می‌شود. همچنین بازی باعث تقویت روابط بین‌فردی، مهارت‌های حرکتی، کشف توانایی و استعدادهای فردی است و تلفیق بازی و هوش عملی در آموزش منجر به تثبیت یادگیری می‌شود (ملازینلی، سیاهکوهی‌نیا، شیبانی، ۱۳۹۴). در مطالعه افضل‌ی و همکاران با هدف اثربخشی بازی درمانگری با رویکرد کودک‌محور بر مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده کودکان مشخص گردید که در جریان بازی درمانی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کودکان گسترش می‌یابد و نیز بازی بر کاهش میزان اضطراب و افسردگی آنها مؤثر است (افضلی، اسماعیلی، رجبی، ۱۳۹۵، ۹۲). یافته‌های پژوهشی باعنوان به حداکثر رساندن هوش چندگانه در اوایل کودکی با بازی که توسط سوراسمی^۲ انجام گرفت، نشان می‌دهد که بازی می‌تواند رشد هوش‌های چندگانه

1. Smith, Palmquist, Lemer, Hopkins, Lillard, Dore.

2. Surasmi

را در کودکان به حداکثر برساند؛ زیرا بازی به کودکان آزادی کاوش می‌دهد. بنابراین، آنها بدون فشار و بدون در نظر گرفتن هیچ هدف خاصی آزادانه و مطابق با ترجیحات خود فعالیت می‌کنند. به‌طورکلی، بازی در اوایل کودکی بر هوش کودکان تأثیر مثبت دارد. بازی کردن می‌تواند خلاقیت کودکان را افزایش دهد (سوراسمی، ۲۰۱۷). در پژوهش تقوی جلودار و حامی که با هدف بررسی اثربخشی بازی‌های رایانه‌ای بر توانایی حل مسئله کودکان بود به این نتیجه رسید که بازی‌های رایانه‌ای اکشن و استراتژیک تأثیری متفاوت در توانایی حل مسئله در کودکان دارند و اثرات بازی‌های رایانه‌ای استراتژیک و آموزشی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند (تقوی جلودار، حامی، ۱۳۹۷). در مطالعه روسیاتی و همکاران باعنوان تأثیرات بازی‌ها و چگونگی غلبه والدین بر اعتیاد کودکان به بازی، مشخص شد که بازی‌های علمی آموزنده‌تر بوده و از اعتیاد کودکان به بازی جلوگیری می‌کند. به‌طورکلی بازی‌های که سرگرم‌کننده است منجر به اعتیاد کودکان و شکل‌گیری رفتارهای بد در آنها می‌شود بازی‌های علمی نقش مهمی را در آموزش کودکان ایفا می‌کند (یولیانتی، یولیانتی، گیملار، پیروانتو و روسیاتی، ۲۰۲۰^۱).

بازی در عین این که وسیله سرگرمی است، جنبه آموزشی و سازندگی نیز دارد و در برخی موارد اشتغال کودک به بازی بیش از ارزش خواندن کتاب است، کودکان در خلال بازیها، به مفاهیم ذهنی جدیدی دسترسی پیدا می‌کنند و مهارت‌های بیشتر و بهتری را کسب می‌نمایند. آنان به کمک بازی تجارب ارزنده‌ای به دست می‌آورند. در حین بازی مطالب آموختنی، بدون فشار و با میل و رغبت فراگرفته می‌شود. کودک از طریق بازی آموزش می‌بیند، چیزهای تازه کشف می‌کند و به خاصیت اشیا پی می‌برد. با توجه به نکات بیان شده، در این مطالعه به بررسی نقش بازی بر رشد هوش شناختی کودکان پرداخته شده است.

۲-۱. هوش شناختی از نظر روان‌شناسی

گاردنر هوش را در قالب نخستین پردازش از نظریه هوش چندگانه، برای هوش انواع مختلفی قائل است که عبارتند از: هوش زبانی، هوش منطقی ریاضی، هوش موسیقایی یا ریتمیک، هوش فضایی، هوش حرکتی جنبشی، هوش میان فردی، هوش درون فردی، هوش شناختی، هوش هیجانی، هوش اخلاقی و هوش اجتماعی. (مهر محمدی، بی تا)

هوش شناختی شاخصی برای اندازه-گیری هوش است که از تقسیم سن ذهنی به سن تقویمی به دست می‌آید. این هوش مبتنی بر توانایی‌های زبان شناختی، تحلیل منطقی، هوش ریاضی، سرعت محاسباتی و حافظه بالاست. هوش شناختی ارثی بوده و همان هوشی است که در حل یک مسئله‌ای ریاضی، در طرح و اجرای یک پروژه عظیم، در اختراعات و اکتشافات علمی و به طور کلی در کلاس درس به فرد کمک می‌کند. (کشاوری، روزبهانی، ۱۳۹۵)

پیاژه معتقد است که رشد شناختی آدمی در جریان مراحل به وجود می‌آید که از نظر کیفیت با یکدیگر متفاوت است و در عین حال، یکی بر دیگری بنا شده است. هریک از این مراحل، ساخت و عملکرد ویژه‌ای دارد که در تمام کودکان همانند است. تحول فکری همه کودکان با نظم معین و در زمانی نسبتاً معین ظاهر می‌شود و کودک بدون گذراندن مرحله یا مراحل قبلی به رشد مرحله بعدی نمی‌رسد. در عین حال، دامنه زمانی تحول شناختی از یک مرحله به مرحله دیگر، مطابق وضعیت درونی و شرایط محیطی کودک، تفاوت می‌کند. از نظر پیاژه رشد شناختی انسان در چهار دوره اساسی صورت می‌گیرد و هر مرحله ساخت و عملکرد ویژه‌ای دارد که مدت زمان معینی طول می‌کشد که این مراحل عبارتند از:

- دوره حسی - حرکتی: آمادگی علامت سازی (توانایی جان‌نشین سازی) هنوز ظاهر نشده است و همچنین ضعف دارد در تشخیص تفاوت میان بدن خود و محیط خارج خود.

- دوره پیش‌عملیاتی: کارکردهای عملیاتی رشد کرده و کودک به یادگیری علائم می‌پردازد و از آنها برای توصیف واقعیت‌ها استفاده می‌کند. در تشخیص میان عینی و ذهنی، علامت و موضوع علامت، نظر خود و نظر دیگران، ابعاد مختلف ضعف دارد.

- دوره عملیات عینی: کودک می‌آموزد که با استفاده از علائم، به خواندن، نوشتن، ریاضیات و طبقه‌بندی و حل مسائل منطقی با محتوای عینی و مادی بپردازد. ضعف در تشخیص تفاوت میان عینی و ذهنی، تفکر و موضوع فکر، اظهار نظر درباره واقعیت و شرایط واقعی وجود دارد.

- دوره عملیات صوری: نوجوان می‌تواند در روش‌های منطقی و نظری از علائم استفاده کند و در نبودن امور واقعی، می‌تواند ساخته‌های ذهنی را به کار گیرد. در این مرحله ضعف در تشخیص این مسئله که در تفکر همه چیز ممکن است، ولی در واقعیت چنین نیست وجود دارد. (سیف، کدیور، نوری، لطف‌آبادی، ۱۳۹۸)

برونر معتقد است که اولین تغییرهای روشن در تفکر کودک، زمانی آغاز می‌شود که کودک سخن گفتن را یاد می‌گیرد. پس از آن، تغییراتی در حدود پنج تا هفت سالگی ظاهر می‌شود و سومین مرحله از تغییر با آغاز نوجوانی همراه است. ولی به‌طور کلی از نظر وی مراحل رشد ذهنی کودک با سن او ارتباط چندانی ندارد. او می‌گوید که کودک در هر مرحله از رشد، محیط پیرامون خود را به صورت خاصی می‌بیند و جهان را به‌گونه خاصی تفسیر می‌کند. براین اساس، او سه مرحله را در رشد ذهنی پیشنهاد می‌کند که عبارتند از:

- مرحله شناختی عملی: در این مرحله، کودک چیزها و رویدادها را از طریق کارهایی که می‌تواند با آنها انجام دهد، شناسایی می‌کند، ولی هنوز قادر به تصور و تفکر نیست. هوش در این مرحله کاملاً عملی است و یادگیری کودک، غیر کلامی و از طریق عمل او بر اشیاء صورت می‌گیرد. فکر کردن برای کودک، همان عمل کردن است و هرچه دور از دید او باشد در ذهن او جایی ندارد؛ یعنی کودک فقط از طریق ابزارهای حسی و حرکتی فعالیت می‌کند.

- مرحله شناخت تصویری: در حدود سه سالگی، نظام دیگری در رشد ذهنی کودک به وجود می‌آید که برون‌آن را شناخت تصویری می‌نامد. از ویژگی‌های عمده این مرحله، شروع یادگیری زبان است که توانایی جدیدی به کودک می‌دهد. از این پس، کودک آنچه را قبلاً به صورت عملی و حسی و حرکتی انجام می‌داده، به طور ذهنی به کار می‌برد و باتوجه به تصورات ذهنی از اشیاء، کودک نیاز چندانی به دستکاری مستقیم آنها ندارد.

- مرحله شناخت نمادی: در این مرحله در ذهن کودک تصوره‌های مستقلى به وجود می‌آید که او را از تصورات بصری ملموس بی‌نیاز می‌کند. اصطلاح نمادی، نشانگر پیشرفت ساخت فکری به کمک یادگیری روش علامتی است که بدون آن کودک نمی‌تواند محیط اطراف خود را درونی کند و در نتیجه قادر به فرضیه‌سازی و اندیشیدن به ایده و قیاس و پیش‌بینی نخواهد بود. (سیف، کدیور، نوری، لطف‌آبادی، ۱۳۹۶)

۲-۲. عقل و هوش در روایات

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عقل شالوده حیات انسانی است و خوش‌ذهن، فهم، توانائی بر حفظ و یادگیری از آن نشأت می‌گیرد». و امام موسی کاظم علیه السلام نیز می‌فرماید: «عقل راهنمای درونی است».

در روایات ویژگی‌هایی برای هوشمندترین افراد بیان شده است. از افراد هوشمند هم در روایات با تعابیر مختلف یاد شده است. برای مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد ویژگی‌های افراد هوشمند می‌فرماید: «... پرودگارش را شناخته باشد و او را اطاعت کند؛ دشمن واقعی خود (شیطان و نفس اماره) را بشناسد و به نافرمانی او برخیزد؛ نسبت به اقامت دائم خود در آخرت آگاه باشد و برای اصلاح آن بکوشد». همچنین کم‌هوش‌ترین افراد در روایات با تعابیری یاد شده‌اند. برای مثال از نظر امام صادق علیه السلام این افراد «به زیر دست خود ستم روا بدارد و کسی را که از وی عذرخواهی کند، نبخشد»؛ و از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «بجای ترس از خدا از حاکمان ستم بترسد و از آنان بیشتر فرمانبرداری کند» (حوزه علمیه قم، بی‌تا).

۲-۳. عوامل مؤثر بر رشد هوش

از جمله عواملی که بر رشد هوش مؤثر است عبارتند از: تغذیه با شیر مادر، ورزش کردن، مصرف کمتر غذاهای کم‌ارزش، مطالعه کردن، تقویت روابط اجتماعی، محیط خانواده و بازی کردن. کودکانی که به مدت حداقل نه ماه از شیرمادر تغذیه نموده‌اند باهوش‌تر از کودکانی هستند که به مدت یک‌ماه و یا کمتر از شیر مادر تغذیه شده‌اند. خوردن غذاهای باارزش مثل میوه و آجیل باید در میان وعده اضافه شود، خواندن کتاب‌های عکس‌دار برای قدرت شناخت کودکان مؤثر است. فرزند باید تشویق شوند تا در جمع قادر به سخن گفتن و یا شعر خواندن گردند، همچنین در سنین بالاتر شرکت دادن آنها در فعالیت‌های اجتماعی، تیمی و بازی‌های گروهی سبب افزایش اعتماد به نفس و نیز هوشمندی آنها می‌گردد. کودکانی رشد بهنجار دارند که حداقل سطح مشخصی از مراقبت‌های مسئولانه را خانواده آنها داشته باشند. ورزش و بازی در فضای باز و کارگروهی برای افزایش هوشمندی بسیار مؤثر است.

۲-۴. انواع بازی

۲-۴-۱. انواع بازی در سیره عملی و روایی اهل بیت علیهم‌السلام

اول) بازی‌های جسمی - مهارتی

خاک‌بازی: جایگاه این بازی برای کودکان چنان است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از دلایل علاقه خود به کودکان را همین می‌داند و به والدین سفارش می‌کند مانع خاک بازی کودکان نشوند.

آب‌بازی و شنا: این بازی مانند خاک بازی ارزش بالایی دارد و از آن به‌عنوان بهترین تفریح برای مؤمنان یادشده و محبوب‌ترین تفریح نزد خداوند است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش کرده است که به فرزندتان شنا یاد برهید.

سواری دادن و اسب‌دوانی: با مطالعه سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از بازی‌های مورد علاقه کودکان سواری گرفتن است. در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که ایشان نقش مرکب و یا شتر را بازی می‌کرد و به حسنین سواری می‌داد.

تبله بازی، تیراندازی، بازی‌های رزمی و بازی‌های ساده نیز از جمله بازی‌های جسمی-مهارتی هستند.

دوم) بازی‌های کلامی-فکری

وقتی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام کودکان خردسالی بودند حضرت زهرا علیها السلام برای آنها شعر می‌خواند و با آنها بازی می‌کرد. این شعرها در دنیای کودکی و همراه با بازی به فرزندان گفته می‌شد، پیام‌ها ارزش‌هایی را به همراه داشت. یکی از شعرها عبارتند از: «پسرم حسن جان! تو مانند پدرت باش، کاری کن که بتوانی از دین حق قید و بندها را رها کنی. خدایی را پرستش کن که با نعمت‌های فراوانش در گوشه زندگی بر ما منت دارد. پسرم با کینه توزان و دشمنان دین خدا دوستی مکن» (جوهری، سیفی کناری، ۱۳۹۸، ۲۹-۳۰).

۲-۴-۲. انواع بازی در روان‌شناسی

اول) بازی‌های تقلیدی

غریزه تقلید یکی از گرایز نیرومند و ریشه‌دار در انسان است. به برکت وجود همین غریزه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، ادای کلمات و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر معاشران می‌آموزد و به کار می‌بندد. انسان در تمام طول عمر کم‌وبیش از دیگران تقلید می‌کند، اما در سنین بین یک سالگی تا پنج سالگی بیشتر از این قوه استفاده می‌کند. کودکان ابتدا تقلید را از پدر و مادر خود شروع می‌کنند. آنها بسیاری از فعالیت‌های والدین خود را در خانه تقلید می‌کنند. پسرها کارها و مشاغل را تقلید می‌کنند که بیشتر مربوط به مردان است و دختران علاقه‌مندند که فعالیت‌های مربوط به مادران را تکرار کنند. (جوهری، سیفی کناری، ۱۳۹۸)

دوم) بازی‌های نمایشی

بازی‌های تقلیدی و نمایشی با هم مشترکند و در حقیقت بازی نمایشی نوعی بازی تقلیدی است، اما در بازی تقلیدی کودک سعی به تقلید نقش دارد در حالی که در بازی نمایش کودک علاوه بر تقلید نقش، انتظار خود از آن نقش را نیز بیان می‌کند. برای مثال، هرگاه کودک، پدری سخت‌گیر و

مستبد داشته باشد در بازی تقلیدی خود، سختگیر و مستبد می‌شود، اما در بازی نمایشی انتظار محبت و همدردی پدر با فرزند منعکس می‌شود. (جوهری، سیفی کناری، ۱۳۹۸)

سوم) بازی‌های نمادی

بازی‌های نمادی نقطه اوج بازی‌های کودکان است که از حدود یک و نیم یا دوسالگی آغاز می‌شود، در پنج-شش سالگی به کمال خود می‌رسد و تا هشت- نه سالگی نیز ادامه می‌یابد. بازی نمادی زمانی آغاز می‌شود که کودک نیز به تدریج زبان گشوده و توانایی کاربرد علائم و نمادهای زبان را دارد. بازی نمادی با بازی‌های تقلیدی و نمایشی متفاوت است. در بازی‌های تقلیدی و نمایشی، کودک با استفاده از وسایل موجود به برون‌فکنی یا درون‌فکنی امیال و خواسته‌های خود می‌پردازد و از این طریق به لذتی درونی و برونی دست یافته و خود را از قید تنش‌ها رها می‌کند. (جوهری، سیفی کناری، ۱۳۹۸)

چهارم) بازی‌های تخیلی

تخیل فعالیت عالی ذهن است که اشیاء یا حوادثی را در ذهن خلق می‌کند بدون اینکه به‌طور مستقیم از داده‌های حسی استفاده کند. ذهن هنگام تخیل روابط تازه‌ای ایجاد کرده و آنها را به شکل‌هایی در می‌آورد که آنها را از قبل تجربه نکرده است. (جوهری، سیفی کناری، ۱۳۹۸) کودک، تخیلی قوی دارد و می‌تواند جریان آب باریکی را به‌صورت رودخانه بزرگی تخیل کند و مقدار کمی خاک را تپه‌ای بزرگ فرض کند. کودک مانند یک اتومبیل حرکت می‌کند و دور می‌زند. کودک خودش را مانند راننده و بدن خود را مانند اتومبیل به‌کار می‌اندازد. تخیل کودک اسباب بازی‌ها را بزرگ می‌کند و مواد بازی را تغییر می‌دهد تا به این ترتیب بتواند در عالم خیال وارد شده موجودات خیالی را واقعی فرض کند و از بازی خود لذت ببرد. کودک، ذهنی فعال و قوی دارد و اسباب بازی‌ها در نظر او مواد واقعی هستند و او هر دو قلمرو واقع و خیال را نیک می‌شناسد (جوهری، سیفی کناری، ۱۳۹۸).

۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف نقش بازی در رشد هوش شناختی کودکان انجام شد و در این پژوهش این فرضیه که بازی بر رشد هوشی کودک مؤثر است، مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به مطالب جمع‌آوری شده می‌توان گفت که بازی علاوه بر اینکه فعالیت جسمی است ذهن کودک را نیز درگیر می‌کند و در نتیجه بر ساختار فیزیولوژیکی مغز و رفتار هوشمندانه و قابل مشاهده کودک تأثیر دارد (آقاجانی، جبارف، مصطفی یوف، ۱۳۹۳). کودکان از بازی‌های خود مطالبی را می‌آموزند که ممکن است آن را با روش دیگر فراموش نکنند و بازی جزء مهمی از زندگی کودک است که سبب رشد کامل و هماهنگ در کودک می‌شود (بختیاری، ۱۳۷۵، ۱۷). بازی نقش قابل توجه‌ای در تسریع و تقویت توانایی‌های کودک ایفا می‌کند؛ زیرا بازی روشی است که کودک از راه مشاهده، تعمق، تجربه و فعالیت‌های شخصی چیزی را بهتر می‌آموزد (ملازینلی، سیاهکوهی‌نیا، شیبانی، ۱۳۹۴). بارزترین مشخصه کودک رشد همه جانبه اوست، دراین میان بازی به عنوان کار تمام وقت کودک بر رشد او به‌ویژه رشد هوشی تأثیر بسیاری دارد (مردمی، ابراهیمی، ۱۳۹۲). بازی وسیله‌ای است که می‌توان به‌واسطه وی بسیاری از مفاهیم، فرهنگ جامعه، آداب غذا خوردن، نوشیدن، حرف زدن، همکاری کردن و... را به کودک یاد داد بدون اینکه کودک متوجه شود در حال یادگیری است. در نتیجه یافته‌های پژوهش نشان داد بازی در رشد هوش شناختی کودکان مؤثر است. والدین می‌توانند با افزایش آگاهی و دانش خود از یافته‌های روان‌شناسی کودک و آشنا شدن با شیوه‌های فرزندپروری و شیوه‌های بازی با فرزندان، محیطی مناسب برای رشد شناختی کودک خود فراهم آورند.

فهرست منابع

۱. افضل‌لی، لیل، اسماعیلی، سمیه، ورجبی، هومن (۱۳۹۵). اثربخشی بازی درمانگری با رویکرد کودک محور بر مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده کودکان. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۷(۱)، ۸۹-۱۰۰.
۲. آقاجانی، طهمورث، جبارف، رشید، و مصطفی یوف، مشفق (۱۳۹۳). تأثیر بازی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان (مورد مطالعه: کودکان مقطع مهد کودک استان تهران). نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳(۶)، ۹۷-۱۰۴.

۳. بختباری، محمد (۱۳۷۵). نقش بازی در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان. نشریه تربیت، ۱۱(۸)، ۱۵-۱۷.
۴. بی‌نام (بی‌تا). آیا در مورد هوش و چگونگی شناسایی استعداد آبات و روایاتی وجود... مرکز مطالعات و گاسخگویی به شبهات. قم: ایران.
۵. تقوی جلودار، مریم، و حامی، مهیار (۱۳۹۷). اثربخشی بازی‌های رایانه‌ای بر توانایی حل مسئله کودکان. نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۴۲(۱۱)، ۵۵-۷۰.
۶. جوهری، معصومه، و سیفی کناری، فاطمه (۱۳۹۸). نقش بازی در تربیت دینی کودکان. دوفصلنامه تخصصی مطالعات دین پژوهی، ۶(۳)، ۲۵-۳۶.
۷. رادبخش، ناهید، محمدی فر، محمدعلی، و کیان ارثی، فرحناز (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴(۲)، ۱۷۷-۱۹۵.
۸. سیف، سوسن، کدیور، پروین، کرمی نوری، رضا، و لطف‌آبادی، حسین (۱۳۹۸). روان‌شناسی رشد. تهران: پژوهشکده تحقیق و تحقیق علوم انسانی.
۹. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
۱۰. کاویانی، محمد (۱۳۹۹). روان‌شناسی در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. کشاورز، لقمان، و روزبهانی، زهرا (۱۳۹۵). تبیین الگوی ارتباطی هوش هیجانی، هوش اجتماعی و هوش شناختی. نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، ۱۴(۱۴)، ۶۹-۸۱.
۱۲. مارنات، گری گراث (۱۳۹۷). راهنمای سنجش روانی. مترجم: پاشاشریفی، حسن، و نیکخو، محمدرضا. تهران: رشد.
۱۳. مردمی، کریم، و ابراهیمی، سیما (۱۳۹۲). بازی انگیزی، راهبرد طراحی محیط‌های یادگیری. نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۵، ۱۰۹-۱۲۰.
۱۴. ملازینلی، مهدیه، سیاهکوهی نیا، بفائزه، و شیانی، مریم (۱۳۹۴). تأثیر بازی در هوش عملی دانش آموزان. همایش ملی آموزش ابتدایی. دانشگاه فرهنگیان، بندر عباس.
۱۵. مهرمحمدی، محمود (بی‌تا). نظریه هوش چندگانه و دلالت‌های آن برای برنامه درسی و آموزشی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۸۸، ۹-۱۰.

16. Aghajani, h. (2011). Role of play in social skills and intelligence of children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 2272 – 2279.
17. Lillard, A. S., Lemer, M. D., Hopkins, E. J., Dore, R. A., Smith, E. D., & Palmquist, C. M. (2013). The Impact of Pretend Play on Children's Development: A Review of the Evidence. *American Psychological Association*, 1(139), 1-34.
18. Rosyati, T., Roy P. M., Gumelar, G., Timorita Y, R., Mukharrom, T. (2020). Effects of Games and How Parents Overcome Addiction to Children. *Journal of Critical Reviews*, 7 (1), 65-67.
19. Surasmi, W. A. (2017). Maximising multiple intelligence in early childhood by playing. *ASEAN Journal of Open Distance Learning*, 9(2), 79-85.
20. Tomporowski, P. D., Davis, C. L., Miller, P. H., Naglieri, J. A. (2008). Exercise and Children's Intelligence, Cognition, and Academic Achievement. *Educ Psychol Rev*, 20, 111–131.